



امتحانات متمرکز تکلیبی نیمسال دوم ۱۴۰۰-۱۳۹۹

رشته فقه و اصول

مهر مدرسه

مات برای: ۱۰ صبح
نمره: ۱۵
مات بکون: ۷۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حرف

کد امتحان:	۳۴۰۰۲/۰۸
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۰۴/۰۹
عنوان:	فقه ۶
کتاب:	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
محدوده:	ج ۲: قرض، رهن، هبه، ودیعه، عاریه (ص ۲۷۹-۲۲۷) وصیه، وقف (ص ۵۶۴-۵۱۹)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرسه علییه: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- مالکیت شخص بر مال ربوی اخذ شده چه حکمی دارد؟ ص ۲۳۱

- الف. در فرض جهل به حکم و موضوع، مالکیت صحیح است.
- ب. در فرض جهل به حکم یا موضوع، مالکیت صحیح است.
- ج. تنها در فرض جهل به حکم، مالکیت صحیح است.
- د. مالک نمی‌شود و باید آن را برگرداند.

۰/۵

۲- دلالت روایت: «لأرهن إلیا مقبوضاً» بر شرط بودن قبض چگونه است؟ ص ۲۴۸-۲۴۹

- الف. ابتداء و استدامة
- ب. استدامة فقط
- ج. لايدل علیه
- د. ابتداء فقط

۰/۵

۳- هبه مشروط به چیست؟ ص ۲۵۹

- الف. قبض عین موهوبه در محل عقد
- ب. منفعت نبودن موهوب
- ج. عدم حجر موهوب‌له
- د. فوریت قبض

۰/۵

۴- حکم دریافت اجرت توسط قیّم بر یتیم چیست؟ ص ۵۲۶

- الف. جایز است اگر قیّم فقیر باشد.
- ب. جایز است اگر یتیم فقیر نباشد.
- ج. مطلقاً جایز نیست.
- د. مطلقاً جایز است.

۰/۵

۵- به نظر مصنف هر یک از «بدهکاری» و «هزینه حج» میت، از اصل مال خارج می‌شود یا از ثلث مال؟ ص ۵۳۹

- الف. اصل مال در صورت وصیت - اصل مال در صورت وصیت
- ب. اصل مال - اصل مال در صورت وصیت
- ج. اصل مال مطلقاً - ثلث مال مطلقاً
- د. اصل مال مطلقاً - اصل مال مطلقاً

۰/۵

۶- کدام مورد از احکام صدقه بالمعنی الأخص است؟ ص ۵۶۲

- الف. به سادات و غیر سادات می‌توان داد.
- ب. قصد قرب در آن شرط نیست.
- ج. به فرد غنی نمی‌توان داد.
- د. ایقاع است.

۲

۷- «دین» را تعریف کرده و نسبت آن را با قرض توضیح دهید. ص ۲۲۸

جواب: «دین» عبارت است از مال کئی که بر ذمه کسی ثابت است. (نمره) دین اعم از قرض و قرض اخص است؛ یعنی هر جا قرضی وجود داشته باشد، مقترض دینی بر ذمه دارد؛ اما گاهی دین محقق می‌شود اما قرض نیست؛ مانند بیع، غصب و ... (نمره)

۸- ضمن تعریف هبه، توضیح دهید چگونه این تعریف، بر هبه معوضه نیز صدق می‌کند؟ ص ۲۵۷

۲

جواب: هبه عقدی است که متضمن تملیک عین بدون عوض است. (نمره) در هبه معوضه نیز تملیک عین بدون عوض انشاء می‌شود؛ ولی این تملیک مجانی، مشروط به یک هبه دیگر است. و به بیان دیگر معاوضه وجود ندارد، بلکه دو هبه و تملیک مجانی وجود دارد که یک هبه بخاطر هبه دیگر است. (نمره)

۹- اگر کسی بگوید: «این کتاب را به تو ودیعه می‌دهم مشروط به اینکه تا سه روز پس نگیرم» و بعد از یک روز آن را مطالبه کند، حکم تکلیفی و وضعی چنین فرضی را با ذکر دلیل توضیح دهید. ص ۲۶۸ و ۲۷۱

۲

جواب: عقد ودیعه فسخ می‌شود ولی مودع کار حرامی مرتکب شده است؛ زیرا شرط عدم فسخ به دلیل «المؤمنون عند شروطهم» معتبر است؛ پس فسخ عقد حرام تکلیفی است. اما عقد فسخ می‌شود؛ چون روایت فوق (قاعده المؤمنون عند شروطهم) ناظر به حکم تکلیفی است نه وضعی.

۱۰- با توجه به دو روایت ذیل، توضیح دهید عاریه‌دادن کدامیک از فضا یا درهم، عاریه مضمونه محسوب می‌شود؟ ص ۲۷۸

– عن ابی عبدالله(ع): «العاریة لیس علی مستعیرها ضمان إلا ما کان من ذهب أو فضة.»
– قال ابو عبدالله(ع): «لیس علی صاحب العاریة ضمان إلا أن یشرط صاحبها إلا الدراهم.»

۲

جواب: فضا؛ زیرا شرط صحت عاریه بقاء عین در حین انتفاع است و نسبت به درهم، غالب اوقات انتفاع به تلف است و عین باقی نمی‌ماند. لذا تقیید «فضه» به «درهم» مستلزم حمل روایت بر فرد نادر است و این عرفاً جایز نیست. پس ضمان عاریه به سبب نقره بودن است نه درهم بودن.

۱۱- الف) در چه صورت‌هایی وصی می‌تواند وصایت را قبول نکند؟ ص ۵۲۳-۵۲۲
ب) مقتضای اصل عملی در وصیت تملیکیه، عقد بودن وصیت است یا ایقاع بودن؟ توضیح دهید.

۲

جواب الف: مورد اول: ردّ وصایت در زمان حیات موصی باشد و خبر ردّ به موصی برسد و موصی بتواند شخص دیگری را وصی قرار دهد. مورد دوم: عمل به وصیت مستلزم حرج باشد. (نمره)

جواب ب: مقتضای اصل عملی عقد بودن است؛ زیرا اصل عملی استصحاب اقتضا می‌کند که بر وصیت بدون قبول اثری مترتب نشود. (نمره)

۱۲- بر اساس هر یک از روایات ذیل، «قبض در وقف» شرط است یا خیر؟ دلیل هر یک را بنویسید. در صورت شرط بودن قبض، شرط صحت فهمیده می‌شود یا شرط لزوم؟ ص ۵۵۱

۲

روایت اول: «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها.»
روایت دوم: «کلّ وقف لم یسلّم فصاحبه فیه بالخیار.»

جواب: مقتضای روایت اول: عدم اشتراط قبض است؛ چون عنوان وقف بدون قبض محقق می‌شود و روایت از جهت قبض اطلاق دارد. پس قبض شرط نیست. (نمره)
مقتضای روایت دوم: چون فرض شده بدون تسلیم عین موقوفه واقف خیار دارد، پس می‌فهمیم قبض شرط است و بیش از این فهمیده نمی‌شود که واقف می‌تواند قبل از قبض، وقف را بر هم بزند و از این بیش از شرطیت قبض برای لزوم فهمیده نمی‌شود. (نمره)

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۳۱۴۴۳۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»